

## خرده جنبش‌های مردمی در بغداد قرن سوم هجری: بررسی عملکرد حریبه و مطوعه بغداد در فترت جدال امین و مامون

عباس احمدوند\*

### چکیده

در عصر عباسی (طی سال‌های ۱۹۷-۱۹۸ ق.) زمانی که میان امین و مأمون نزاعی رخ داد، حریبه از زمینه‌ی پیش‌آمده استفاده کرده و از مردم بغداد سلب آسایش کردند که این عمل آنان جنبشی مردمی برای دفاع و دفع تجاوزات آنها به رهبری دو تن از پارسایان شهر، به نام‌های خالد دریوش و سهل بن سلامه انصاری را در پی داشت. از این رو مساله اصلی پژوهش حاضر آن است که این جنبش مردمی دارای چه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بوده، چه اهدافی را دنبال کرده و برآیند کار آنها در بغداد قرن سوم هجری چه بوده است؟ این مقاله با روش زمینه‌شناسی تاریخی، توصیفی و تحلیلی خرده جنبش‌های حریبه و مطوعه را نتیجه‌ی ناامنی‌های سیاسی، اجتماعی و مشکلات اقتصادی مردم بغداد قرن سوم یافته که به‌رغم تفاوت سبک رهبری سران جنبش مشترک در زمینه برقراری نظم و امنیت اجتماعی و اقتصادی توفیقاتی داشته و در نهایت نیز سرکوب گشتند.

**کلیدواژه‌ها:** بغداد، حریبه، خالد دریوش، سهل بن سلامه، امریه معروف و نهی از منکر

---

\* استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی a\_ahmadvand@sbu.ac.ir

## ۱. مقدمه

یکی از سیاست‌های جنجال برانگیز خلفای عباسی از زمان سفاح (ح.ک ۱۳۲-۱۳۸ ق.)، تعیین ولی عهدی‌های متعدد بود که تنش‌ها، اختلاف‌ها و گاه جنگ‌هایی خانمان سوز را در پی داشت (در این باب، نک مثلاً احمدوند، ۱۳۹۰: ۲۳۸). از جمله سهمگین‌ترین این نزاع‌ها، باید به نزاع امین و مأمون اشاره کرد که موجب اتلاف فراوان نیروها و دست‌آورد ویرانی بغداد شد (احمدوند، ۱۹۹۰-۲۰۰۲: ذیل مدخل امین، مأمون، بغداد؛ احمدوند، ۱۳۹۰: ۲۰۸ به بعد). سرداران مأمون، طاهر بن حسین (م. ۲۰۷ ق.) و هرثمه بن أعین (م. ۱۹۹ ق.) گام به گام سپاهیان امین را از ری به بغداد شکست داده، به عقب راندند. آنان امین را در بغداد محاصره و کار را بر وی و طرفدارانش سخت کردند. ناکامی‌های نیروهای امین در دفع مهاجمان و گریز آنان از برابر سپاهیان طاهر، موجب شد گروهی از فاسقان و دزدان محله حربیه در حدود ۲۰۰ هجری از زمینه پیش آمده بهره برده و شهر را ناامن تر ساخته موجب وحشت مردم گردند. مردم بیم‌ناک به هیچ روی توان مقابله نداشتند تا آنکه در ۲۰۱ هجری دو تن از پارسایان محله به نام‌های خالد دریوش و سهل بن سلامه انصاری در اتحاد مردم بغداد بر ضد دزدان و غارتگران توفیق‌هایی یافته و هسته اولیه جنبشی مردمی را در حفظ نظم و آرامش شهر به وجود آوردند.

از این رو مساله اصلی پژوهش حاضر زمینه‌شناسی تاریخی خرده جنبش‌های مردمی حربیه و مطوعه بغداد در فترت جدال امین و مأمون در قرن سوم هجری است؛ در این راستا مقاله حاضر به دنبال یافتن پاسخی برای این سوالات است؛ که خرده جنبش‌های مردمی حربیه و مطوعه در بغداد قرن سوم هجری دارای چه زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بوده است؟؛ چه اهدافی را دنبال می‌کردند و اقدامات آنها در راستای تحقق اهدافشان چگونه بوده است؟ و برآیند سیاسی و اجتماعی و اقتصادی این جنبش در بغداد قرن سوم هجری به چه شکلی تبلور یافت؟ و در نهایت هم ضمن نوع شناسی سبک رهبری خالد دریوش و سهل بن سلامه انصاری بدانیم عاقبت جنبش آنها چه شد؟

فرض پژوهش حاضر این است که خرده جنبش‌های اجتماعی حربیه و مطوعه نتیجه‌ی ناامنی‌های سیاسی، اجتماعی و مشکلات اقتصادی مردم بغداد در قرن سوم هجری بوده است.

زمانی که مردم از مشکلات اقتصادی رنج می‌بردند و در نتیجه‌ی ناامنی‌های سیاسی ناشی از بروز نزاع میان امین و مامون این روند تشدید شد و به ناامنی اجتماعی منجر شد. همچنین می‌توان در نظر داشت که اقدامات حربیه در تشدید ناآرامی‌ها و سلب آسایش مردم زمینه اصلی ظهور مطوعه به رهبری سران مذکور بوده و اقدامات مطوعه در راستای امر به معروف و نهی از منکر بوده است. از سوی دیگر محتمل است که به‌رغم رهبری مشترک خالد و سهل سبک رهبری آنها، باورشان پیرامون دامنه‌ی امر به معروف و نهی از منکر متفاوت بوده به همین دلیل به رغم توفیقات آغازین سرکوب شدند.

از این رو در پژوهش حاضر به دنبال آن خواهیم بود تا با روش زمینه‌شناسی تاریخی، علل و عوامل شکل‌گیری خرده جنبش‌های اجتماعی حربیه و مطوعه را تبیین نموده و آثار و نتایج و سرانجام این جنبش‌ها را بررسی نماید.

تاریخ خلافت عباسیان از زوایای مختلفی مورد پژوهش محققان واقع شده است؛ با این حال تنها برخی از آنها به زمینه‌شناسی آثار مخرب اجتماعی و اقتصادی نزاع امین و مامون توجه داشته و اغلب علل شکل‌گیری نزاع و نتایج سیاسی مترتب از آن را بررسی کرده‌اند. طیب الحبري از جمله کسانی است که ضمن ریشه‌یابی علل نزاع برآیندهای اقتصادی و اجتماعی آن را نیز مورد توجه قرار داده است (El-Hibri, 1999: 76). همچنین برخی دیگر چون هیو کندی در تاریخ جدید اسلام کمبریج همین مسایل را با زمینه‌شناسی وسیع‌تری از نظر گذرانده است (تاریخ جدید اسلام کمبریج، ۲۰۱۰: ۱/فصل نهم) از سوی دیگر برخی از محققانی که تاریخ بغداد را بررسی کرده‌اند در بحث از محاصره بغداد توسط نیروهای مامونیه به آثار مخرب این جنگ به ویژه از جهت ویرانی، شیوع بیماری‌ها، از بین رفتن رفاه اجتماعی و شکوه بغداد و پیدایی گروه‌های حربی و ضعف تجارت در این دوره نظر داشته‌اند (Le Strange, 2011: 89-100).

در حوزه تک‌نگاری‌های انجام شده هم نویسنده مقاله «امین» در دایره‌المعارف اسلام به‌رغم بررسی منابع متقدم از نتایج اجتماعی و اقتصادی نزاع میان امین و مامون غافل شده و به هیچ وجه در این اثر ذکری از مطوعه نیست (Gabrieli, 1960: 1/ *Al-Amin*). محققان دیگری چون عبدالمولی ضمن بحث از عیاران و چگونگی شکل‌گیری آنان ضعف نیروهای امینیه در برقراری

امنیت مابین نزاع با مامونیه را به خوبی نشان داده است اما بیشتر توجه او معطوف به چگونگی شکل‌گیری گرو عیار مدافع بغداد و نقش آنها در مناسبات سیاسی آن زمان بوده است (عبدالمولی، ۱۴۱۰: ۲۸ به بعد). تور هم در مقاله مشابه بیش از آنکه توجه خود را به خرده جنبش‌های حریبه و مطوعه معطوف بدارد بر آن است تا چگونگی شکل‌گیری و بالندگی عیاران را در عصر عباسی روشن ساخته و مناسبات و ویژگی‌های درون گروهی آنها را بیان کند (Tor, 2007: 81FF).

تنها یک پژوهش آنهم پیرامون حریبه انجام شده است؛ مقاله حریبه در دانشنامه جهان اسلام پس از بررسی چگونگی شکل‌گیری این فرقه به باورها و اعتقادات آنها و گروه‌های منشعب از آنها توجه داشته است. لذا در حوزه‌ی زمینه‌شناسی اجتماعی و اقتصادی خرده جنبش‌های حریبه و مطوعه که در قرن سوم هجری در بغداد رخ داده است هیچ مطلبی ندارد (کیانی فرد، ۱۳/ ذیل «حریبه») و می‌توان ادعا کرد که پژوهش حاضر نخستین در این زمینه است.

## ۲. اوضاع بغداد در آغاز قرن سوم هجری

بغداد در آستانه قرن سوم قمری را باید شهری در اوج نابسامانی و ناامنی دانست؛ سپاهیان طاهر بن حسین شدت در حال کوبیدن شهر بودند. این سپاهیان با عده و غده بسیار، حصارهای محکم بغداد را درهم می‌شکستند و سرداران هریک در فتح حصاری می‌کوشید. در نتیجه، بخش فراوانی از بغداد در اثر حصار کوبی و استفاده از منجنیق، ویران شد و شدت یورش سپاهیان طاهر، ترس دامنگیری را در میان سپاه امین و مردم بغداد گستراند (طبری، بی تا: ۴۴۵-۴۴۷ و اشعار عمرو وراق و عتری).

اقدامات سختگیرانه طاهر چندان طاقت مردم بغداد را برد که بسیاری ناگزیر از مهاجرت و فرار از شهر شدند؛ به ویژه آن که طاهر ورود خواروبار را نیز به بغداد دشوار ساخته و با اخذ مالیات مضاعف از بازرگانان بغدادی مردم را در تنگنای فراوان و مضیقہ معیشتی انداخته بود (مسعودی، ۱۹۶۶: ۵۳/۲-۵۴؛ طبری، بی تا: ۴۴۶/۸). حتی طاهر با دار النکت / خانه پیمان‌شکنی خواندن بغداد، عملاً به مصادره اموال و مستغلات بزرگان و سردارانی که هنوز به او نپیوسته بودند و نیز بازارهای بغداد پرداخت (طبری، بی تا: ۴۴۷/۸). در نتیجه، دزدان و راهزنان نیز شهر را در معرض

غارت و چپاول آورده، زنان و کودکان را آماج آزارهای خویش قرار دادند. در چنین شرایطی، امین سرگرم عیش و نوش و شادخواری بود و سپاهیان بی‌رهبری، شکست خورده و بی برنامه او، گاه بیش از مهاجمان، بغداد را چپاول می‌کردند (همان: ۸۰/۵ - ۸۵).

### ۳. حریبه و اقدامات آنان

حریبه نام محله‌ای بزرگ در بیرون و نزدیک باب‌خرب بغداد بود که خرب بن عبدالله بلخی، سردار منصور (حک: ۱۳۸-۱۵۸ ق.) آن را ساخته بود (یاقوت حموی، بی تا: ۲/ ۱۳۲، ذیل «حریبه»). همزمان با موج ناامنی و نابسامانی‌های سال ۲۰۰ ق، گروهی از فاسقان این محله، همراه با گروهی از فاسقان محله کرخ، واقع در کرانه غربی رود دجله، از درگیری میان امین و مأمون استفاده کرده، به دزدی، راهزنی و سلب آسایش ساکنان پرداختند. این دو گروه از فساق که طبری آنان را یکجا، فاسقان حربی می‌خواند (طبری، بی تا: ۵۵۱/۸) در بغداد و کرخ مردم را آزار داده و آرامش آنان را سلب می‌کردند. حتی آشکارا پسران کم‌سال و زنان را می‌ربودند و کسی را یارای جلوگیری از این اعمال زشت آنان نبود (مسکویه رازی، ۱۳۶۶: ۱۲۹/۴). حریبه گاه دسته‌جمعی به مناطق شهری یا اطراف بغداد یورش می‌بردند و دارایی‌های مردم را چپاول می‌کردند و گاه در کوی برزن به حرکت در آمده، از ثروتمندان طلب پول، اثاثیه و خواربار می‌کردند و در صورت عدم اجابت، به زور می‌ستاندند (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۳۲۵/۶). رهگذران و مسافران نیز در دست آنان در امان نبودند؛ باغات، بستان‌ها و اراضی کشاورزی مردم نیز آشکارا به وسیله این فاسقان غصب می‌شد. در این میان، حکومت نیز به سبب اشتغال به جنگ با سپاهیان طاهر، به هیچ‌رو امکان دفاع از جان و مال بغدادیان را نداشت. برای نمونه، چون حریبه، دهکده قُطْرَبَل را واقع در میان بغداد و عُکْبَرَا غارت کردند و اثاثیه، طلا و نقره و احشام ساکنان آن را به زور گرفتند و در بغداد به فروش رساندند، حکومت امکان رفع این ظلم را نداشت و نتوانست اموال اهالی قُطْرَبَل را به ایشان بازگرداند (طبری، بی تا: ۵۵۱-۵۵۲). خلیفه حتی آن قدر سپاه در اختیار نداشت که با مهاجمان به پایتختش نبرد کند. بنابراین، ناگزیر به استفاده از اوباش، زندانیان آزاد شده و عیاران در این نبرد شده بود؛ بدیهی است که این افراد نیز تابع نظم یا به عبارت دقیق‌تر بی‌نظمی‌های خاص خود و نه خلیفه و دربارانش بودند. از این بدتر آن که حکومت دست این افراد را در تمامی امور باز گذارده، مردم از

غارث، دزدی و ربودن زنان و کودکان به وسیله این افراد در دشواری بودند و سخت‌ترین عذاب‌ها و رنج‌ها را تحمل می‌کردند (مسعودی، ۱۹۶۶: ۲/۳۳۵؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۶/۱۴۹).

#### ۴. واکنش مردم به فسق و دزدی

با آن که شمار فاسقان هر محله به تنهایی اندک بود، مردم محله‌های گوناگون، به واسطه عدم اتحاد و همدلی، نداشتن رهبری واحد، امکان هر نوع مقابله با دزدی و غارتگری را از دست داده بودند. به ویژه آن که بسیاری از فاسقان، از جمله طراران، عبّاران و اوباش، اکنون در لباس مأموران حکومتی در آمده، مردم جرأت مقابله با آنان را نداشته و اقدام در برابر آنان را به منزله شورش برضد حکومت می‌دانستند. با این حال چنان که آمد، نخستین اعتراض آشکار بغدادیان را برضد دزدی و شرارت، باید اعتراض نافرجام مردم قُطْرُبُل دانست. این نوع اعتراض‌های ولو ناکام نشان می‌داد مردم، به تدریج از حکومت قطع امید کرده، خود به فکر دفاع از خود بر می‌آیند. باری، بزرگان هر محله به شور نشسته و گفتند: در هر کوچه یک و دو تافاسق هست، اما بر ما چیره شده‌اند در صورتی که ما بیش از آنهایم و باید اتفاق کرده و از آنها جلوگیری کنیم (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۶/۳۲۵). طبری این گروه را مُطَوَّعَه / داوطلبان نامیده و آنان را الْمُطَوَّعَه لِلنَّكِيرِ عَلَى الْفُسَّاقِ ببغداد معرفی می‌کند که نشانگر رویکرد جنبش بر ضد غوغائیان و اوباش بغداد در جهت بازگرداندن نظم و آرامش است (طبری، بی تا: ۵۵۳/۸). درحالی که ابن‌اثیر و مسکویه‌رازی با الْمُطَوَّعَه لأمر بالمعروف و النهی عن المنکر خواندن آنان، بر دینی بودن این جنبش و نه اجتماعی بودن آن، تأکید دارند (مسکویه‌رازی، ۱۳۶۶: ۴/۱۲۹؛ ابن‌اثیر، ۱۹۶۵: ۶/۳۲۶).

#### ۵. شورش مردم بغداد به رهبری خالد ذریوش و سهل بن سلامه انصاری

نخستین کسی که به رهبری تهیدستان در دفاع از جان و مال و نوامیس خویش برخاست، خالد ذریوش ساکن محله انبار بود. خالد ذریوش مردم را به امر به معروف و نهی از منکر و دفاع از جان و مال خویش در مقابل فاسقان فراخواند؛ به زودی شمار زیادی گرد او فراهم آمدند. این نیروهای مردمی با حمله به فاسقان حربی، آنان را از تعرض به مردم باز می‌داشتند و با آنان می‌جنگیدند. جالب آن که به رغم اطلاع مردم از عدم برخورد حکومت با فاسقان، همچنان آنان را به حکومت

تحویل می‌دادند و بدین ترتیب می‌کوشیدند اعلام کنند، جنبش آنان برضد حکومت نیست (مسکویه رازی، ۱۳۶۶: ۴/۱۳۰). یکی دیگر از رهبران جنبش مردمی برضد فاسقان، ابوحاتم سَهْل بن سَلَامَه انصاری از مردم خراسان بود. وی قرآنی به گردن خویش آویخت و مردم را به امر به معروف و نهی از منکر و عمل به کتاب خدای عزوجل و سنت پیامبر (ص) دعوت می‌کرد. ظاهراً سازماندهی ابن سَلَامَه از نیروهای مردمی طرفدارش کامل تر و دقیق تر بود، چه اسامی بیعت کنندگان را در دیوانی که ترتیب داده بود، ثبت می‌کرد (طبری، بی تا: ۵۵۳/۸). علاوه بر این، بسیاری از مردم را در برابر دریافت وجهی ماهیانه، تحت حمایت خویش قرار داده و از اموال و دارایی‌های آنان مواظبت می‌کرد. او در بازارها و محله‌ها می‌گشت و می‌گفت: در اسلام حمایتگری هست، اما باجگیری وجود ندارد؛ برای نمونه به نزد صاحب بستانی می‌رفت و می‌گفت بستان تو در حمایت من است و آن را از حمله و دستبرد فاسقان حفظ می‌کنم، تو نیز باید ماهیانه فلان مقدار درهم به من پردازی در مقابل تو باید ماهیانه فلان درم پردازی؛ شیوه‌ای که نیازمندان به حمایت و علاقمندان به کسب درآمد را یکسان به خود جذب می‌کرد (مسکویه رازی، ۱۳۶۶: ۴/۱۳۰).

## ۶. دو رهبر یک جنبش

خالد ذریوش و سهل بن سلامه هر دو برای تحقق هدفی یکسان به پاخاسته بودند اما اختلافاتی در روش و منش آنان وجود داشت. خالد ذریوش نمی‌خواست خود را با حکومت درگیر سازد و تنها به دفاع از مردم در مقابل فاسقان غیرحکومتی می‌پرداخت. او می‌گفت: من از کار حکومت عیب نمی‌گیرم و با آن نبرد نمی‌کنم و نمی‌گویم چه بکند و چه نکند (طبری، بی تا: ۵۵۳-۵۵۴). در عوض، سهل خود را موظف به محاربه با هر کسی می‌دانست که برخلاف کتاب و سنت رفتار کند، خواه از مردم عادی باشد، خواه از حکومتیان. جدای از این اختلاف در رویکرد، زمان شروع جنبش این دو رهبر نیز متفاوت بود؛ خالد ذریوش دو سه روز پیش از سهل بن سلامه قیام کرد و چون در قیامش متعرض حکومتیان نشد، کسی کاری به او و حرکتش نداشت. سهل بن سلامه نیز در روز پنج شنبه چهارم رمضان سال دویست و یکم در مسجد طاهر، واقع در محله حریبه علم طغیان برافراشت. (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۳۲۶/۶). در ابتدا، شمار همراهان و موافقان سهل فراوان بود، اما چون احتمال پیروزی سپاهیان طاهر فزونی گرفت، بسیاری، از جمله مُطَلَب بن عبدالله خُزاعی، او را ترک

کرده و به نام مأمون دعوت به قیام کردند؛ اعتراض شدید ابن سلامه هم در تغییر موضع مُطلب تأثیری نگذارد و کار طرفین به رودرویی انجامید. اما چون مُطلب یارای مقاومت در برابر سَهَل را نداشت با او صلح کرد، اما در نهان کوشید او را بکشد؛ با ناکام ماندن توطئه قتل سَهَل، مُطلب با او تجدید بیعت کرد و در ظاهر به دعوت به امر به معروف و نهی از منکر روی آورد. علاوه بر این، برخی سران و فرماندهان دستگاه امین نیز چون منصور بن مهدی، خُزیمه بن خازم و فضل بن ربیع، ظاهراً خود را دوستدار دعوت سَهَل نشان می‌دادند، اما با گذر زمان، منصور و ابراهیم بن مهدی از وی روی گردان شدند و نشان دادند تنها به واسطه خطر سپاهیان طاهر با وی همدلی می‌کردند (مسکویه رازی، ۱۳۶۶: ۱۳۱/۴). منصور و ابراهیم بن مهدی که خود بنا داشتند بر بغداد تسلط یابند (نک. احمدوند، ۱۳۹۰؛ نیز ادامه مقاله)، با درک خطر روزافزون سَهَل و شمار یاران وی، از او رویگردان شدند و سرانجام او را از میان بردند. منصور و ابراهیم بن مهدی چند روز با نیروهای سَهَل که بر در خانه‌های خویش برج‌هایی از گچ و آجر ساخته و سلاح و قرآن بر آن نهاده بودند، نبرد کردند و سرانجام موفق شدند با تطمیع یاران او، در روز پنج‌شنبه آخر شعبان، سَهَل و اندک یاران باقیمانده وی را به همان جایی که برای نخستین بار جنبش خویش را آشکار کرد، عقب برانند. در نهایت نیز وی را با حيله دستگیر کردند (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۳۲۴/۶).

گفتگوهای سَهَل را در زندان با اسحاق بن موسی هادی، ولی عهد خلیفه خود خوانده ابراهیم بن مهدی (نک. احمدوند، ۱۳۹۰: ۲۱۷)، می‌توان بیانگر تبلیغات دعوت سَهَل در میان مردم یا دست کم آنچه او ادعا می‌کرده، به شمار آورد. سَهَل در پاسخ به اسحاق که او را به شورش بر ضد حکومت متهم می‌ساخت، دعوت خویش را عباسی و در واقع تلاش در تحقق امر به معروف و نهی از منکر می‌دانست. هر قدر اسحاق و بعدها ابراهیم بن مهدی کوشیدند با متهم ساختن او به شورش بر ضد حکومت و دور شدنش از امر به معروف و نهی از منکر، او را از طرفدارانش دور کنند، توفیقی به دست نیاوردند. بنابراین سَهَل به سلامه را در همان زندان کشتند تا مبادا باقیمانده یارانش وی را آزاد کنند و شورشی تازه به راه اندازند (طبری، بی تا: ۵۶۴/۸؛ مسکویه رازی، ۱۳۶۶: ۱۳۱/۴؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۳۲۵/۶).



## ۷. نتیجه گیری

نزاع امین و مأمون و ناکامی سپاهیان امین در برابر سپاهیان طاهر بن حسین، ویرانی بغداد را در پی داشت. درگیری و محاصره ۱۴ ماهه بغداد، موجب بروز خلأ قدرت، ناامنی و آشوب فراوان شهر به دست اوباش و غوغائیان گردید. از سوی دیگر ناتوانی امین و درباریان در حمایت از جان، مال و نوامیس بغدادیان، به تدریج اعتراض مردمی را از قُطْرُبُل شروع کرد و در برخی محله‌های بغداد، نظیر حَرَبِیَّة و کَرخ گستراند. از این رو، گروهی از مردمان عادی و فرودست بغداد، در پاسخ به دعوت خالد ذریوش و سَهْل بن سَلَمَة انصاری در برقراری امنیت و مبارزه با غارتگران، به این دو تن پیوستند. به رغم تفاوت روش و منش خالد ذریوش و سَهْل، جنبش مردم بغداد را در سال ۲۰۱ ق. باید یکی از نمونه‌های مهم جنبش‌های مردمی در سرزمین‌های شرقی به شمار آورد.

## منابع

- ابن اثیر، عزالدین، (۱۹۶۵) *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارالصادر.
- احمدوند، عباس، (۱۳۹۰) *نهاد ولایت عهدی در خلافت اموی و عصر اول عباسی (۵۶-۲۳۲ ق.)*، قم، پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی.
- تاریخ جدید اسلام کمبریج (۲۰۱۰)، نوشته‌ی جمعی از خاورشناسان، ویراستاران؛ چس رابینسون، ماریبل فی یرو، دیوید مورگان و آنتونی رید، روبرت آروین، فرانسیس رابینسون و روبرت هفتر، کمبریج، انتشارات دانشگاه کمبریج.
- حموی، یاقوت أبی عبدالله (بی تا)، *معجم البلدان*، بیروت، دارالصادر.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲)، *لغت نامه*، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (بی تا)، *تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالصادر.

عبدالمولی، محمداحمد (۱۴۱۰)، *العیارون والشطار البغادده فی التاریخ العباسی*، اسکندریه :  
موسسه شباب الجامعه.

کیانی فرد، مریم (۱۳۸۸)، *دانشنامه جهان/اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۱۳، چاپ  
اول، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی.

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۹۶۶)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق محمد  
محمی الدین عبدالحمید، بیروت، دارالمعرفة.

مسکویه رازی، احمد بن علی (۱۳۶۶)، *تجارب الأمم و تعاقب الهمم*، حقه و قدم له  
الدكتور ابوالقاسم امامی تهران، دارالسروش.

El-Hibri, Tayeb, (1999) *Reinterpreting Islamic Historiography: Harun al-Rashid and the Narrative of the 'Abbasid Caliphate*, Cambridge, university press.

Gabrieli, F. (1960-2002). *Al-Amin, Encyclopaedia of Islam*, 2<sup>nd</sup> Edition, E. J. Brill, Leiden..

Tor, D, G,(2007), *Violent Order: Religious Warfare, Chivalry, and the Ayyar Phenomenon In The Medieval Islamic World*, Germany, No.

Le Strange, Guy,(2011) *Baghdad: During the Abbasid Caliphate*, new York, No.

